

تحلیل موانع آموزشی و اجتماعی - فرهنگی اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی

○ سید ابوالقاسم برآبادی * ○
○ ملک محمدی ** ○
○ علی اسدی *** ○

چکیده:

هدف از این تحقیق، تحلیل موانع آموزشی و اجتماعی-فرهنگی اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی بود. این مطالعه از نوع پیمایشی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه که پایایی مقیاس اصلی آن از طریق آلفای کرونباخ برابر با $0/85$ و $0/89$ به ترتیب برای موانع آموزشی و موانع اجتماعی و فرهنگی تأیید گردید، استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه فارغ التحصیلان کشاورزی دوره کارشناسی دانشگاه‌های دولتی سراسر کشور که طی سال‌های تحصیلی $83-1382$ و $84-1383$ فارغ التحصیلان شده‌اند، تشکیل دادند، که با استفاده از جدول مورگان، حجم نمونه 327 نفر تعیین شد و برای انتخاب نمونه‌ها، روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصل از اولویت‌بندی نشان داد که نارسایی در آموزش‌های کاربردی و عدم کسب تجربه عملی کافی توسط دانش‌آموختگان در طول تحصیل از مهمترین موانع آموزشی و گرایش فارغ التحصیلان به اشتغال در شهرها، مهمترین مانع اجتماعی و فرهنگی در اشتغال فارغ التحصیلان بود. همچنین نتایج تحلیل عاملی، حاکی از هشت مانع آموزشی در اشتغال فارغ التحصیلان بود که مهمترین آنها مانع نحوه پذیرش نامناسب دانش‌آموختگان بود و سه عامل نیز برای موانع اجتماعی و فرهنگی شناخته شد که مانع جذابیت‌های کاذب، مهمترین آنها جهت اشتغال فارغ التحصیلان به حساب آمد.

واژگان کلیدی: اشتغال، فارغ التحصیلان، موانع آموزشی، موانع فرهنگی و اجتماعی، بخش کشاورزی

* کارشناس ارشد آموزش کشاورزی
** استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران
*** دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

رابطه مستقیم و مستحکمی بین آموزش و توسعه وجود دارد و آموزش به عنوان وسیله پرورش نیروی انسانی در فرایند توسعه از اهمیت خاصی برخوردار است. برخی از مطلعین می‌گویند که در کشورهای در حال توسعه فرایند توسعه باید از جانب آموزش شروع شود و به علاوه در فرایند توسعه آموزش همواره باید پا به پای توسعه و هم‌آهنگ با آن پیش برود چرا که اگر نرخ رشد توسعه بیشتر از نرخ رشد پرورش نیروی انسانی باشد نتیجه آن کمبود نیروی انسانی خواهد بود و اگر آهنگ نرخ رشد آموزش بر نرخ رشد توسعه فزونی گیرد، حاصل آن وجود پدیده بیکاری و عدم اشتغال نیروهای انسانی پرورش یافته خواهد بود. به نظر می‌رسد که در ایران به ویژه در چند دهه اخیر مورد دوم رخ داده و نتیجه آن بیکاری خیل عظیم فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف دانشگاهی و مخصوصاً فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی بوده است (زمانی پور، ۱۳۸۵). اکثر کشورهای دنیا با مسائل و مشکلات اشتغال درگیرند ولی تعدد عوامل مشکل آفرین و ناشناخته بودن برخی از آنها در کشورهای جهان سوم موجب پیچیده‌تر شدن موضوع شده است. امروزه مدیریت کلان کشور به دنبال استفاده از روش‌های علمی برای شناخت و کنترل عوامل مشکل آفرین در زمینه اشتغال و تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها برای شتاب دادن به حرکت توسعه است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی عهده دار رسالت‌هایی چون تولید دانش، تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه، گسترش فناوری، نوآوری و خلاقیت هستند. صاحب‌نظران معتقدند دستیابی به توسعه پایدار فقط در سایه به‌کارگیری دانش روز و فناوری پیشرفته حاصل می‌شود. بنابراین، برای قرارگرفتن در جاده توسعه و جلوگیری از عقب‌ماندگی باید شرایطی فراهم شود که دانشگاه‌ها بتوانند دانشجویان را برای به‌کارگیری فناوری جدید و پذیرش مسئولیت‌های مختلف در سطح سازمان و جامعه پرورش دهند.

بروز تحولات سریع و روزافزون در جوامع و محیط زیست آن باعث شده تا آموزش نقش متفاوت و در عین حال پیچیده‌ای داشته باشد. آموزش، به ویژه در کشاورزی همواره با چالش‌هایی مانند اشتغال فارغ‌التحصیلان (چه پسر و چه دختر) مواجه بوده است. با توجه به نوع دانش و آگاهی‌های فراگرفته دانشجویان رشته‌های کشاورزی و مهارت‌های پیش بینی شده برای فارغ‌التحصیلان می‌توان گفت که اشتغال مفید و سازنده و استفاده بهینه از تخصص‌های آنان به عنوان متخصصین و کارشناسان کشاورزی، اثربخشی زیادی در افزایش میزان تولید محصولات کشاورزی و دامی به دنبال خواهد داشت. با توجه به نقش و اهمیت بخش کشاورزی در کشور و بنا بر مباحث فوق، اعتقاد بر این است که در ارزیابی میزان موفقیت برنامه‌های آموزش عالی در بخش کشاورزی و دستیابی به اهداف توسعه ملی، توجه به اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که بدون بررسی و مطالعه آن، این ارزیابی دچار خدشه و اشکال خواهد بود. به موجب اساسنامه سازمان بین‌المللی کار، مبارزه با بیکاری از جمله مهم‌ترین وظایف دولت‌ها می‌باشد. در حال حاضر در کشور ما یکی از بزرگترین معضلات اجتماعی، بیکاری است و بیکاری فارغ‌التحصیلان مقوله‌ای است که در چند سال اخیر به صورت بحرانی رو به ازدیاد است و مبارزه با بیکاری نیز بدون شناخت علل و عوامل آن میسر نخواهد بود. از این رو این بررسی با هدف شناخت و تحلیل موانع آموزشی و اجتماعی - فرهنگی که در مسیر اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی ایجاد مشکل می‌کند، انجام شده است.

مطابق یک نظر خواهی که از ۴۰۰ نفر صاحب نظر و متخصص بخش کشاورزی به عمل آمده است، چند عامل در معضل بیکاری فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی دخالت داشته‌اند که ۴۶ درصد آن مربوط به عیب و نقص در دانشگاه‌هاست (وجود نارساییها در آموزش‌های کاربردی یا ۲۶ درصد و ناهماهنگی در امر پذیرش دانشجو و عدم توجه به نیاز بخش کشاورزی یا ۲۰ درصد) و ۵۴ درصد مربوط به بخش کشاورزی است (زمانی پور، ۱۳۸۵).

زمانی (۱۳۷۹) در خلاصه اجرایی «طرح جامع نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاستگذاری توسعه منابع انسانی کشور»، ضعف علمی و مهارتی فارغ‌التحصیلان، عدم آمادگی روانی (نداشتن توکل، جرات، روحیه کارگروهي، ریسک پذیری و...)، استخدام‌های فامیلی، و تورم نیروی کار را از جمله موانع اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی بر شمرده است.

در تحقیقی که توسط محمدزاده نصرآبادی (بی‌تا) با عنوان «وضعیت اشتغال، توانمندی شغلی و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان آموزش‌های عالی علمی - کاربردی در بخش کشاورزی کشور» انجام شد، این نتایج حاصل شده است: بین امکانات و تجهیزات زیربنایی و آموزشی مراکز، توانایی تدریس و شیوه آموزش استادان، روش‌های تدریس واحدهای نظری، روش‌های تدریس واحدهای عملی، محتوای آموزشی در سطح دانش و محتوای آموزشی در سطح نگرش با توانمندی شغلی دانش‌آموختگان رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین بین توانایی علمی و تخصصی استادان، محتوای آموزشی در سطح دانش، محتوای آموزشی در سطح نگرش و محتوای آموزشی در سطح مهارت با موفقیت شغلی دانش‌آموختگان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.



در مطالعه‌ای که توسط شاهرودی (۱۳۸۵) با عنوان «بررسی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشاورزی پیرامون حرفه کشاورزی به عنوان شغل آتی» در دانشگاه تربیت مدرس انجام شد، مشخص گردید که در بین عوامل اقتصادی، گویه‌های «اهمیت فعالیت‌های اقتصادی در بخش کشاورزی» و «کسب شغل برای امرار معاش» بیشترین تأثیر را در نگرش این دانشجویان نسبت به حرفه کشاورزی داشته‌اند. در بین عوامل فرهنگی، «لذت بخش بودن مشاغل کشاورزی» و «جالب بودن مشاغل کشاورزی»، بالاترین رتبه‌ها را دارند. همچنین در بین عوامل اجتماعی «نیاز جدی جامعه به حرفه تخصصی آنها» و «متنوع بودن مشاغل و فعالیت‌های کشاورزی» بیشترین رتبه‌ها و «روشن بودن و تأمین آینده شغلی دانش‌آموختگان شاغل در کار کشاورزی» و نیز «احترام زیاد جامعه به دانش‌آموختگان شاغل در کار کشاورزی» کمترین رتبه‌ها را داشته‌اند.

نتایج حاصل از مطالعه‌ای که توسط دلپیش و همکاران (۱۳۸۵) انجام شده، حاکی از: عدم برنامه‌ریزی برای اشتغال دانش‌آموختگان فارغ‌التحصیل، عدم آشنایی کافی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها با نیازمندی‌های بازار کار، ناهماهنگی بین سیستم آموزشی و اجرایی کشور، و ناهماهنگی آموزش با پژوهش می‌باشد.

یعقوبی و همکاران (۱۳۸۵) طی مطالعه‌ای به بررسی مشکلات آموزش عالی کشاورزی ایران از دید دانشجویان پرداخته‌اند. در این مطالعه مشخص شد که پاسخ‌دهندگان کمترین نمره ارزیابی را به تطابق آموزش ارائه شده با نیازهای واقعی بخش کشاورزی و بازار داده‌اند. همچنین مشخص شد که از دید دانشجویان، سایر از متغیر وضعیت اخلاقی و شخصیتی اعضای هیأت علمی، سایر متغیرهای مورد استفاده در این مطالعه در وضعیت مطلوبیت کمتر از حد متوسط قرار دارند. نتایج مطالعه مشخص کرد که مهمترین مشکلات گریبانگیر آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه پاسخ‌دهندگان به ترتیب عبارتند از: عدم تناسب توسعه کمی دانشگاه با ظرفیت اشتغال، عدم ارتباط بین دانشگاه و عرصه عملی کشاورزی، توجه بیش از حد به مدرک، عدم ارتباط بین واحدهای تحقیقاتی بخش کشاورزی و دانشگاه، عدم توجه جامعه به متخصصین کشاورزی، ورود سخت به دانشگاه و خروج آسان از آن، عدم شناخت قبلی دانشجویان از رشته کشاورزی، عدم تطبیق برنامه آموزشی با نیاز شغلی جامعه، عدم توجه به بروز رسانی مطالب آموزشی و عدم ارتباط دانشگاه با سازمان‌های اجرایی.

مطالعه دیگری با عنوان «تأثیر آموزش‌های رسمی کشاورزی در اشتغال و کارایی فارغ‌التحصیلان کشاورزی شاغل در تعاونی‌های کشاورزی شهرستان کرج» توسط سلیمی و چیدری (۱۳۸۳) انجام شده که نتایج عمده آن عبارتند از: تأثیر مثبت داشتن مدرک تحصیلی بالاتر در افزایش در آمد ماهیانه، تأثیر برخورداری از مدرک مرتبط با کشاورزی در اشتغال به کار فعلی افراد، اثر آموزش‌های داخل مزرعه در ارتقاء کارایی کارکنان و اعضای، نگرش مثبت کارکنان به کیفیت آموزش‌های رسمی و نگرش نسبتاً منفی در مورد به روز بودن آموزش‌ها و رضایت از آموزش‌های کسب شده.

نتایج حاصل از مطالعه‌ای که توسط دلپیش و همکاران انجام شده، حاکی از: عدم برنامه‌ریزی برای اشتغال دانش‌آموختگان فارغ‌التحصیل، عدم آشنایی کافی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها با نیازمندی‌های بازار کار، ناهماهنگی بین سیستم آموزشی و اجرایی کشور، و ناهماهنگی آموزش با پژوهش می‌باشد

در مطالعه دیگری که توسط عابدی (۱۳۸۵) با عنوان «توانمندی‌ها، ضرورت‌ها و موانع اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی زن» صورت گرفته، مشخص شد که بحران بیکاری برای فارغ‌التحصیلان زن دانشگاهی نسبت به مردان بیشتر است. وجود موانع فردی، خانوادگی و اجتماعی نیز از دغدغه‌های جدی فارغ‌التحصیلان زن عنوان شده است.

مواد و روش‌ها:

تحقیق حاضر از نظر امکان کنترل متغیرها از نوع شبه آزمایشی، و به لحاظ اینکه از نتایج تحقیق در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها در بخش اجرایی استفاده خواهد شد، از لحاظ هدف از نوع کاربردی می‌باشد. این تحقیق به شیوه میدانی و با استفاده از پرسشنامه صورت گرفت. جامعه آماری این تحقیق را کلیه فارغ‌التحصیلان کشاورزی دوره کارشناسی دانشگاه‌های دولتی سراسر کشور که طی سال‌های تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ و ۸۴-۱۳۸۳ فارغ‌التحصیلان شده‌اند، تشکیل می‌دهند. از بین دانشگاه‌های کشور که دارای رشته کشاورزی بودند، دانشگاه‌های بیرجند، شهید باهنر کرمان، علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، و دانشگاه تهران انتخاب گردیدند. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب احتمالی استفاده شد. به این ترتیب که ابتدا با استفاده از جدول مورگان (۱۹۷۰) اندازه نمونه مورد مطالعه ۳۲۷ نفر برآورد گردید. سپس به تناسب تعداد فارغ‌التحصیلان هر دانشکده، پرسشنامه‌ها برای فارغ‌التحصیلان آنها ارسال شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه پرسشنامه بود که پس از انجام پیش‌آزمون، مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس موانع آموزشی برابر ۰/۸۵ و برای موانع فرهنگی و اجتماعی برابر با ۰/۸۹ به‌دست آمد که حاکی از پایایی قابل قبولی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی (توزیع فراوانی، درصد، میانگین و اولویت‌بندی) و استنباطی (تحلیل عاملی)، به کمک نرم‌افزار spss11.5 انجام شده است.



نتایج و یافته ها:

ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای:

بر اساس اطلاعات به‌دست آمده، ۶۵ درصد از فارغ‌التحصیلان مورد مطالعه زن بودند. میانگین سن پاسخگویان ۲۴/۸۴ و بیشترین فراوانی (۷۷ درصد) مربوط به سن ۲۴ سال است. اکثر فارغ‌التحصیلان (۷۹/۸ درصد) اعلام نموده‌اند که در مناطق شهری کشور متولد شده‌اند. ۸۸/۱ درصد از فارغ‌التحصیلان در حال حاضر نیز در شهرها و ۱۱/۹ درصد در روستاهای کشور زندگی می‌کنند. تعداد ۲۲۲ نفر از فارغ‌التحصیلان مورد مطالعه (۷۰ درصد) مجرد هستند. همچنین اطلاعات به‌دست آمده پیرامون شغل پدر فارغ‌التحصیلان حاکی از این است که بیشترین فراوانی (۳۲/۱ درصد) مربوط به مشاغل آزاد غیر مرتبط با کشاورزی بوده و فقط ۱۸/۴ درصد از آنها کشاورز بوده‌اند. بر طبق نتایج این تحقیق، رشته تحصیلی ۸۵ نفر از فارغ‌التحصیلان کشاورزی، زراعت و اصلاح نباتات بود که ۲۶/۸ درصد از افراد مورد مطالعه را شامل می‌شود. بعد از آن رشته باغبانی با ۴۸ نفر (۱۵/۱ درصد) بیشترین فراوانی را داشت. میانگین معدل دوره کارشناسی پاسخگویان ۱۵ و اکثر پاسخگویان، فارغ‌التحصیل سال ۱۳۸۴ بوده‌اند که حدود ۶۰/۹ درصد آنها را شامل می‌شوند. ۸۲/۳ درصد از افراد عنوان کرده‌اند که در زمان انتخاب رشته کمتر از ۲ سال سابقه کار کشاورزی داشته‌اند. میانگین سابقه کار کشاورزی در فارغ‌التحصیلان ۱/۲۶ سال است. همچنین ۶۶/۹ درصد افراد عنوان کرده‌اند که در حال حاضر نیز کمتر از ۲ سال تجربه کار کشاورزی دارند. میانگین تجربه فعلی افراد در کار کشاورزی ۲/۶۶ سال است. ۴۶/۴ درصد از آنها عنوان کرده‌اند که رشته خود را در اولویت کمتر از ۲۰ انتخاب کرده‌اند. همچنین حدود نیمی از تعداد پاسخگویان (۴۸/۶ درصد)، علت انتخاب رشته فعلی خود را ناکامی در رشته‌های دیگر عنوان نموده‌اند. اکثر فارغ‌التحصیلان (۴۷/۹ درصد) معتقدند که (میزان توانایی و دانایی اعضای هیأت علمی دانشگاه محل تحصیل آنها در دوره کارشناسی در حد متوسط بوده است. از نظر وضعیت اشتغال، مشخص شد که ۲۳۵ نفر (۷۴/۱ درصد) از فارغ‌التحصیلان مورد مطالعه بیکار و ۸۲ نفر (۲۵/۹ درصد) شاغل بوده‌اند.

اولویت بندی موانع آموزشی اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی

به منظور آگاهی از اولویت‌های موانع آموزشی در اشتغال فارغ‌التحصیلان از دیدگاه خودشان، تعداد بیست سؤال به پاسخگویان ارائه گردید و اولویت بندی با توجه به ضریب تغییرات به‌دست آمده انجام شد که نتایج حاصل در جدول (۱) قابل مشاهده است. علت استفاده از ضریب تغییرات برای طبقه بندی این است که آماره مذکور شاخصی از پراکندگی است و مقدار کمتر آن به معنی توافق آراء و افکار یا دیدگاه‌های مخاطبان نسبت به مقوله مورد سنجش است. بدیهی است مقوله‌ای که مورد توافق بیشتر طبقات مختلف کشاورزان باشد از اهمیت بالاتری برخوردار است.

جدول شماره (۱): اولویت‌بندی موانع مربوط به نظام آموزشی

اولویت	گویه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	ضعف ارتباط بین بخش آموزش و بخش اجرا	۸/۴۱۰	۱/۸۴۲	۰/۲۱۹
۲	نارسایی در آموزش‌های کاربردی	۸/۰۷۹	۱/۹۹۶	۰/۲۴۷
۳	عدم کسب تجربه عملی کافی توسط دانش‌آموختگان در طول تحصیل	۸/۱۳۹	۲/۰۷۴	۰/۲۵۵
۴	عدم توجه کافی به نیازهای بخش کشاورزی	۷/۷۴۴	۲/۱۹۹	۰/۲۸۴
۵	تناسب کم دروس ارائه شده با نیاز بازار کار	۷/۰۳۸	۲/۳۵۳	۰/۳۳۴
۶	کمبود امکانات و تجهیزات لازم جهت تدریس دروس کشاورزی در دانشگاه‌ها	۷/۱۲۹	۲/۳۹۳	۰/۳۳۶
۷	اهمیت دادن به نمره به جای یادگیری و کسب تجربه عملی	۷/۵۲۷	۲/۶۶۱	۰/۳۵۳
۸	ضعف علمی فارغ‌التحصیلان	۶/۹۳۴	۲/۵۱۶	۰/۳۶۳
۹	سوق دادن دانشجویان به سمت مدرک گرایی	۷/۱۰۴	۲/۹۱۴	۰/۴۱۰
۱۰	به روز نبودن محتوای دروس	۶/۶۱۱	۲/۸۲۲	۰/۴۲۷
۱۱	عدم توجه کافی به پرورش روحیه کارآفرینی در دانشجویان	۶/۶۴۷	۲/۸۸۴	۰/۴۳۴
۱۲	کثرت تعداد پذیرفته شدگان	۷/۰۱۳	۳/۲۸۸	۰/۴۶۹
۱۳	نبود مشاوره‌های تحصیلی در هنگام انتخاب رشته	۶/۳۱۰	۲/۹۴۲	۰/۴۷۲
۱۴	ورود دشوار به دانشگاه و خروج آسان از آن	۶/۳۵۶	۳/۰۹۶	۰/۴۸۷
۱۵	پذیرش داوطلبان بازمانده از رشته‌های دیگر (به خصوص پزشکی) در رشته‌های کشاورزی	۶/۱۸۷	۳/۰۵۲	۰/۴۹۳
۱۶	واقع شدن دانشکده‌های کشاورزی در شهرها و دوری و جدایی از محیط روستا	۵/۲۵۶	۳/۰۳۱	۰/۵۷۷
۱۷	اولویت دادن به دروس نظری در مقابل دروس عملی	۵/۹۲۷	۳/۴۷۵	۰/۵۸۶
۱۸	عدم توجه به جنسیت در هنگام پذیرش یا وجود محدودیت‌های جنسیتی در مشاغل کشاورزی	۵/۳۰۰	۳/۳۴۷	۰/۶۳۲
۱۹	عدم توجه به شرایط جسمانی و فیزیولوژیکی داوطلبان رشته‌های کشاورزی در هنگام پذیرش	۴/۷۹۲	۳/۱۶۱	۰/۶۶۰
۲۰	عدم توجه به شهری یا روستایی بودن داوطلبان در هنگام پذیرش	۴/۴۹۲	۳/۲۹۱	۰/۷۲۳

طبق یافته‌های حاصل از تحقیق، جدول شماره (۱) اولویت‌بندی موانع مربوط به بخش آموزشی کشور در مقابل اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی را از دید فارغ‌التحصیلان نمونه نشان می‌دهد. براساس این داده‌ها، ضعف ارتباط بین بخش آموزش و بخش اجرا مهمترین مانع در بین این ۲۰ گویه بوده است. نارسایی در آموزش‌های کاربردی و نیز عدم کسب تجربه عملی کافی توسط دانش‌آموختگان در طول تحصیل، به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند. این نتایج حاکی از آن است که عدم ارتباط بین دو بخش آموزشی در دانشگاه و بخش اجرایی در بیرون از دانشگاه ارتباط لازم و مؤثر وجود ندارد، لذا بسیاری از دروس گذرانده شده توسط فارغ‌التحصیلان، جنبه تئوری داشته و کاربردی نیستند.

اولویت بندی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی

همچنین، جهت آگاهی از اولویت‌های موانع اجتماعی و فرهنگی در اشتغال فارغ‌التحصیلان از دیدگاه خودشان، تعداد ده سؤال به پاسخگویان ارائه گردید و اولویت بندی با توجه به ضریب تغییرات به دست آمده انجام شد که نتایج حاصل در جدول (۲) قابل مشاهده است.

جدول شماره (۲): اولویت‌بندی موانع اجتماعی و فرهنگی

اولویت	گویه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	گرایش فارغ‌التحصیلان به اشتغال در شهرها	۷/۴۸۶	۲/۴۵۸	۰/۳۲۸
۲	افزایش تقاضا برای تحصیل در دانشگاه‌ها	۶/۹۵۹	۲/۷۵۳	۰/۳۹۵
۳	وجود توقعات غیر اصولی در اذهان فارغ‌التحصیلان	۶/۸۵۲	۲/۷۱۹	۰/۳۹۷
۴	گسترش چندپیشگی در بین شاغلین	۶/۱۶۸	۲/۶۰۱	۰/۴۲۷
۵	محبوبیت مشاغل غیر مولد شهری در بین فارغ‌التحصیلان	۶/۴۲۰	۲/۷۵۸	۰/۴۲۹
۶	تقاضا برای تحصیل در یک رشته مهندسی و کسب منزلت اجتماعی	۶/۵۸۰	۳/۰۰۱	۰/۴۵۶
۷	تفاوت‌های فرهنگی بین جامعه شهری و روستایی	۵/۵۲۴	۲/۸۵۵	۰/۵۱۷
۸	لزوم دوری از خانواده جهت اشتغال در بخش کشاورزی	۵/۲۴۶	۲/۸۵۰	۰/۵۴۳
۹	منزلت اجتماعی نامناسب مشاغل کشاورزی در نزد مردم	۵/۵۴۶	۳/۱۴۲	۰/۵۶۷
۱۰	جوان بودن ساختار جمعیتی کشور	۵/۴۱۶	۳/۴۲۳	۰/۶۳۲

همان‌طور که در جدول شماره (۲) قابل مشاهده است، موانع اجتماعی و فرهنگی از دید فارغ‌التحصیلان کشاورزی اولویت‌بندی شده است که گرایش فارغ‌التحصیلان به اشتغال در شهرها، افزایش تقاضا برای تحصیل در دانشگاه‌ها، و وجود توقعات غیر اصولی در اذهان فارغ‌التحصیلان از جمله مهمترین موانع این بخش شناخته شده و به ترتیب در ردیف‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند. به عبارتی طبق نتایج حاصل از اولویت‌بندی موانع آموزشی و فرهنگی نشان می‌دهد که اکثریت افراد جامعه سعی در اشتغال در بخش شهری را به خاطر درآمد بیشتر و یا سایر مزیت‌های اجتماعی دارند و بدین منظور تلاش می‌کنند تا با ورود به دانشگاه‌های مختلف، رمینه حضور در اشتغال شهری را فراهم آورند و از سوی دیگر با توجه به توقعات غیر اصولی که در اذهان فارغ‌التحصیلان وجود دارد، لذا باعث می‌شود تا روز به روز به جمعیت فارغ‌التحصیلان اضافه شده، در صورتی که بازار کار همراه با این افزایش جمعیت رشد پیدا نمی‌کند که در نتیجه معضل بیکاری فارغ‌التحصیلان روز به روز نمایان‌تر می‌شود.

تحلیل عاملی موانع مربوط به بخش نظام آموزشی در اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی

به منظور تعیین عوامل مربوط به موانع بخش نظام آموزشی در اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی، متغیرهای مورد نظر وارد تحلیل عاملی شدند. میزان مناسب بودن داده‌ها با توجه به آماره KMO و آزمون بارتلت در جدول (۳)، آمده است که حاکی از مناسب بودن متغیرها دارد.

جدول (۳): مقدار آماره KMO و آزمون بارتلت

تحلیل عاملی	KMO	Bartlett Test	Sig
موانع مربوط به نظام آموزشی	۰/۷۲۱	۲۰۱۰/۳۳۹	۰/۰۰۰

جدول (۴): عوامل استخراج شده با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی آن‌ها

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
۱	۲/۲۷	۱۱/۳۹	۱۱/۳۹
۲	۲/۰۴	۱۰/۳۱	۲۱/۶۱
۳	۱/۷۹	۸/۹۷	۳۰/۵۹
۴	۱/۷۸	۸/۹۴	۳۹/۵۳
۵	۱/۷۸	۸/۹۱	۴۸/۴۵
۶	۱/۵۹	۷/۹۶	۵۶/۴۱
۷	۱/۴۶	۷/۳۲	۶۳/۷۴
۸	۱/۲۹	۶/۴۵	۷۰/۱۹

بر اساس یافته‌های حاصل از جدول (۴) عامل اول با مقدار ویژه ۲/۲۷ تبیین کننده ۱۱/۳۹٪ واریانس کل می‌باشد. به‌طور کلی، هشت عامل از نتایج تحلیل عاملی موانع آموزشی اشتغال فارغ التحصیلان استخراج شد که در مجموع ۷۰/۱۹ درصد از کل واریانس را تبیین می‌نمایند. اما وضعیت قرارگیری متغیرها در عوامل با فرض واقع شدن متغیرها با بار عاملی بزرگتر از ۰/۵، بعد از چرخش عامل‌ها به روش وریماکس و نام‌گذاری عامل‌ها به شرح جدول (۵) می‌باشد.

جدول (۵): عوامل مربوط موانع نظام آموزشی در اشتغال فارغ التحصیلان، گویه‌ها و بار عاملی مربوطه

بار عاملی	متغیرها	نام عامل
۰/۸۵۵۵	عدم توجه به شرایط جسمانی و فیزیولوژیکی داوطلبان رشته‌های کشاورزی در هنگام پذیرش	نحوه پذیرش
۰/۸۷۹۶	عدم توجه به جنسیت در هنگام پذیرش با وجود محدودیت‌های جنسیتی در مشاغل کشاورزی	
۰/۵۴۷۷	عدم توجه به شهری یا روستایی بودن داوطلبان در هنگام پذیرش	
۰/۵۳۳۵	نارسایی در آموزش‌های کاربردی	شیوه آموزش
۰/۷۶۶۱	ضعف علمی فارغ التحصیلان	
۰/۷۲۹۱	عدم کسب تجربه عملی کافی توسط دانش‌آموختگان در طول تحصیل	
۰/۷۶۶۱	ضعف ارتباط بین بخش آموزش و بخش اجرا	ارتباطات بین بخشی
۰/۷۴۵۸	عدم توجه کافی به نیازهای بخش کشاورزی	
۰/۶۴۴۴	به روز نبودن محتوای دروس	محتوای آموزشی
۰/۸۰۱۷	تناسب کم دروس ارائه شده با نیاز بازار کار	
۰/۷۶۷۹	سوق دادن دانشجویان به سمت مدرک گرایی	معیارهای ارزشیابی
۰/۸۵۲۱	اهمیت دادن به نمره به جای یادگیری و کسب تجربه عملی	برنامه‌ریزی
۰/۸۴۲۸	واقع شدن دانشکده‌های کشاورزی در شهرها و دوری و جدایی از محیط روستا	
۰/۵۸۵۷	ورود دشوار به دانشگاه و خروج آسان از آن	
۰/۸۰۳۸	اولویت دادن به دروس نظری در مقابل دروس عملی	کمیت گرایی
۰/۷۸۰۰	کثرت تعداد پذیرفته شدگان	
۰/۶۹۱۹	پذیرش داوطلبان بازمانده از رشته‌های دیگر (به‌خصوص پزشکی) در رشته‌های کشاورزی	اعتبار رشته

نتایج تحلیل عاملی موانع نظام آموزشی در اشتغال فارغ التحصیلان نشان داد که نحوه پذیرش به عنوان مهمترین عامل یا به عبارتی مهمترین مانع آموزشی در اشتغال فارغ التحصیلان بود. با دقت در نحوه پذیرش دانش آموختگان بخش کشاورزی، بسیاری از مشکلات را می توان مرتفع نمود. در همین راستا، شیوه آموزش و ضعف ارتباطات بین بخش به عنوان موانع آموزشی در درجه بعد اهمیت قرار گرفتند تا نشانگر این موضوع باشند که شیوه آموزش نامناسب و غیر کاربردی و از طرف دیگر عدم ارتباط مؤثر بین بخش های مختلف می تواند موانع بسیاری را در اشتغال فارغ التحصیلان به وجود آورد. سایر موانع آموزشی به ترتیب اهمیت شامل، محتوای غیر کاربردی آموزشی، معیارهای نامناسب ارزشیابی، عدم برنامه ریزی مناسب و توجه صرف به کمیت گرایی و در نهایت اعتبار پایین رشته کشاورزی شناخته شد.

تحلیل عاملی موانع مربوط به بخش اجتماعی و فرهنگی در اشتغال فارغ التحصیلان

به منظور تعیین عوامل مربوط به موانع اجتماعی و فرهنگی در اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی، نیز متغیرهای مورد نظر وارد تحلیل عاملی شدند و میزان مناسب بودن داده ها با توجه به آماره KMO و آزمون بار تلت حاکی از مناسب بودن متغیرها بود که نتایج در جدول (۶)، قابل مشاهده است.

جدول (۶): مقدار آماره KMO و آزمون بار تلت

تحلیل عاملی	KMO	Bartlett Test	Sig
موانع اجتماعی و فرهنگی	۰/۷۰۷	۹۴۵/۴۳۹	۰/۰۰۰

جدول (۷): عوامل استخراج شده با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی آن ها

عاملها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
۱	۲/۵۵	۲۵/۴۸	۲۵/۴۸
۲	۲/۱۲	۲۱/۳۴	۴۶/۷۲
۳	۱/۶۲	۱۶/۱۸	۶۲/۹۰

بر اساس یافته های حاصل از جدول (۷) عامل اول با مقدار ویژه ۲/۵۵ به تنهایی تبیین کننده ۲۵/۴۸٪ واریانس کل می باشد. به طور کلی، سه عامل فوق در مجموع ۶۲/۹۰٪ از کل واریانس را تبیین می نمایند. اما وضعیت قرار گیری متغیرها در عوامل با فرض واقع شدن متغیرها با بار عاملی بزرگتر از ۰/۵، بعد از چرخش عامل ها به روش وریماکس و نام گذاری عامل ها به شرح جدول (۸) می باشد.

جدول (۸): عوامل مربوط به موانع اجتماعی و فرهنگی در اشتغال فارغ التحصیلان، گویه ها و بار عاملی مربوطه

نام عامل	متغیرها	بار عاملی
جذابیت های کاذب	گرایش فارغ التحصیلان به اشتغال در شهرها	۰/۶۸۴۱
	وجود توقعات غیر اصولی در اذهان فارغ التحصیلان	۰/۷۱۳۲
	تقاضا برای تحصیل در یک رشته مهندسی و کسب	
	منزلت اجتماعی از سوی داوطلبان دانشگاه ها	۰/۷۹۹۸
	گسترش چندپیشگی در بین شاغلین	۰/۵۸۰۸
اختلافات فرهنگی	محبوبیت مشاغل غیر مولد شهری در بین فارغ التحصیلان	۰/۷۰۰۴
	منزلت اجتماعی نامناسب مشاغل کشاورزی در نزد مردم	۰/۵۹۹۶
	لزوم دوری از خانواده جهت اشتغال در بخش کشاورزی	۰/۸۱۱۹
	تفاوت های فرهنگی بین جامعه شهری و روستایی	۰/۸۸۰۱
مسائل جمعیتی	جوان بودن ساختار جمعیتی کشور	۰/۸۷۳۶
	افزایش تقاضا برای تحصیل در دانشگاه ها	۰/۸۲۲۰

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل عاملی موانع آموزشی و فرهنگی مؤثر در اشتغال فارغ التحصیلان بخش کشاورزی در جدول (۸)، جذابیت‌های کاذب به عنوان مهمترین عامل یا مانع آموزشی و فرهنگی شناخته شد که با نتایج قبلی حاکی از علاقه به اشتغال در بخش شهری قابل تایید است. بعد از مانع جذابیت‌های کاذب، اختلافات فرهنگی بین شهر و روستا و به دنبال آن، مشکلات جمعیتی به ترتیب اهمیت، از موانع مؤثر در اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی به شمار می‌روند که نشانگر آن است که به این مسائل باید به ترتیب اهمیت بهاداده شود و مورد بررسی قرار گیرند.

نتیجه‌گیری:

با توجه به معضل اشتغال فارغ التحصیلان بخش کشاورزی که این روزها به یکی از معضلات ملی تبدیل شده است، لزوم توجه به موانعی که باعث ایجاد این معضل می‌شوند بیش از پیش نمایان می‌شود، لذا با توجه به اهمیت این موضوع، در این مطالعه سعی بر آن بود تا موانع اجتماعی - فرهنگی و موانع آموزشی اشتغال فارغ التحصیلان مورد بررسی قرار گیرد. نتایج حاصل نشان داد که بسیاری از موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال فارغ التحصیلان به جذابیت‌های شهری بر می‌گردد. به عبارتی گرایش فارغ التحصیلان به اشتغال در شهرها و در نتیجه ازدحام جهت حضور در دانشگاه‌ها، باعث شده است تا فارغ التحصیلان پشت درهای بسته بازار کار قرار گیرند و با توجه به عدم توازن بین بخش آموزشی و بخش اجرا، لذا این معضل روز به روز گسترده‌تر شود. از طرفی، اولویت بندی موانع آموزشی نیز حاکی از این امر بود که عدم تجهیز فارغ التحصیلان به آموزش‌های کاربردی و در نتیجه نداشتن تجربه عملی کافی در طول دوره تحصیل، مانع بزرگی را بر سر راه فارغ التحصیلان جهت کارآفرینی ایجاد نموده است. بنابراین اکثر فارغ التحصیلان به امید مشاغل دولتی بوده که نتیجه آن گسترش بیکاری است. مانع مهم دیگری که به مشکلات فوق دامن می‌زند نحوه پذیرش دانش‌آموختگان بخش کشاورزی است که نتایج حاصل از تحلیل عاملی آن را تایید می‌کند. اگر در گزینش دانش‌آموختگان ملاک‌هایی مناسبی رعایت گردد مطمئناً میزان بیکاری فارغ التحصیلان کمتر خواهد بود. بنابراین اگر قرار است که فکری برای رهایی از این معضل یعنی بیکاری فارغ التحصیلان انجام دهیم، در وهله اول باید در نحوه گزینش دانش‌آموختگان تجدید نظر شود بدینصورت که ملاک‌های سلامت جسمی، آشنایی قبلی با کشاورزی و تا حدودی روستایی بودن مورد توجه قرار گیرد، سپس افراد برگزیده شده با تجهیز شدن به آموزش‌های کاربردی و کسب تجربه عملی در حین تحصیل به افرادی با مهارت تبدیل شوند که علی‌رغم نبود کار دولتی، قادر به کارآفرینی باشند. در کنار این راهکارها باید به تناسب بین بخش‌های آموزشی و اجرایی نیز توجه شود و افراد متناسب با بازار کار وارد دانشگاه‌ها شوند.

پیشنهادها:

۱. از کل فارغ التحصیلان نمونه آماری، ۶۲/۸ درصد زن و ۳۷/۲ درصد مرد بوده‌اند. با توجه به شرایط و ویژگی‌های کار کشاورزی که بیشتر مردانه است تا زنانه و نیز با توجه به محدودیت‌های موجود برای اشتغال زنان در کشور ما، خصوصاً در بخش کشاورزی و در محیط روستا، می‌توان نتیجه گرفت که اکثر فارغ التحصیلان بیکار رشته‌های کشاورزی را از زنان تشکیل می‌دهند و در آینده این وضع بدتر هم خواهد شد. با توجه به گفته کارشناسان، اگر بخواهیم مشکل عدم اشتغال فارغ التحصیلان زن رشته‌های کشاورزی را حل کنیم باید اشتغال زنان را در کشور به اشتغال‌های خانگی که ۴۰ درصد است، برسانیم و در این صورت باید تا سال ۱۴۰۰ در حدود ۲۷ میلیون فرصت شغلی برای زنان فراهم کنیم که این کاریست بسیار مشکل و تمهیداتی فوق‌العاده می‌طلبد و به سرمایه‌های هنگفتی نیز نیاز دارد. در این مورد پیشنهاد می‌گردد که برای پذیرش دانشجو در رشته‌های کشاورزی، ظرفیت خاصی به مردان و زنان تعلق گیرد و از هر دو جنس در این حد تناسب جنس در این رشته جلوگیری گردد.

۲. بر اساس نتایج حاصل از اولویت‌بندی موانع آموزشی، نارسایی در آموزش‌های کاربردی و عدم کسب تجربه عملی کافی توسط دانش‌آموختگان در طول تحصیل که خود دانش‌آموختگان نیز به آن اذعان کرده‌اند و در بین موانع آموزشی و اولویت‌های دوم و سوم را کسب کرده‌اند، جزء مهمترین موانع آموزشی محسوب می‌شوند. متناسبانه برنامته آموزشی درسی دانشکده‌های کشاورزی در حال حاضر بیشترین تکیه را بر مطالب تئوری داشته و دانشجویان را از میدان و عرصه عمل دور نگه می‌دارند و به حفظ و یادسپاری پاره‌ای مطالب تئوری در دانشگاه اکتفا می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود تا در زمینه آموزش‌های کاربردی در دانشگاه و ارائه دروس عملی بیشتر توجه لازم از سوی مسئولین امر شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد که در بررسی اطلاعات به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که ۸۱/۴ درصد از فارغ التحصیلان کشاورزی در زمینه اشتغال

آمده‌اند و ۸۷/۶ درصد از آنها در حال حاضر در شهرها زندگی می‌کنند. شغل پدر اکثر فارغ التحصیلان (۱۷/۱ درصد) دولتی غیر مرتبط با کشاورزی بوده و فقط ۱۸/۶ درصد از آنها کشاورز بوده‌اند که این امر نسبت می‌شود که تعداد به خود اشتغالی و وارد شدن به عرصه کار کشاورزی در بین آنها پایین باشد، همچنین نتایج تحلیل عاملی موانع آموزشی نشان می‌دهد که نحوه پذیرش از موانع اصلی در عدم اشتغال فارغ التحصیلان است، لذا پیشنهاد می‌شود تا در نحوه گزینش دانش‌آموختگان تجدید نظر شده و ملاک‌های مناسبی مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

۱. دلپریش، محمد. ملیحه خاکیه و حبیب اقدم شهریار (۱۳۸۵). «علل کاهش جنب دانش‌آموختگان دانشگاهی و عوارض ناشی از بیکاری فارغ‌التحصیلان». خلاصه مقالات اولین همایش شناسایی توانمندی‌ها، موانع و راهکارهای اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی. مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی.
 ۲. زمانی پور، اسدالله (۱۳۸۵). «معضل بیکاری فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی و واکاوی ریشه‌های آن». مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور. تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
 ۳. زمانی، غلامحسین (۱۳۷۹). «برآورد نیروی متخصص مورد نیاز بخش کشاورزی». طرح جامع نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاست‌گذاری توسعه منابع انسانی کشور - مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
 ۴. شاهرودی، علی اصغر (۱۳۸۵). «بررسی نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشاورزی پیرامون حرفه کشاورزی به عنوان شغل آتی (مطالعه موردی دانشگاه تربیت مدرس)». مقاله در دست چاپ.
 ۵. محمد زاده نصرآبادی، مهناز و همکاران (بی تا) «وضعیت اشتغال، توانمندی شغلی و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان آموزش‌های عالی علمی - کاربردی در بخش کشاورزی» محمد زاده نصرآبادی، مهناز و همکاران (بی تا) «وضعیت اشتغال، توانمندی شغلی و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان آموزش‌های عالی علمی - کاربردی در بخش کشاورزی». دسترسی برخط: www.irphe.ir/fa/fasnameh/QjNew/F39/Title/PDF/mohammadzadeh.pdf
 ۶. یعقوبی، جعفر و همکاران (۱۳۸۵) «بررسی مشکلات آموزش عالی کشاورزی در ایران و راهکارهای بهبود آن از دیدگاه دانشجویان سال آخر کشاورزی: مطالعه موردی دانشگاه زنجان». مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور. تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۷. Krejcie, Robert V. & Morgan, Daryle w. (19970). "Determining sample size for research activities". *Educational and Psychological Measurement*, NO: 30

